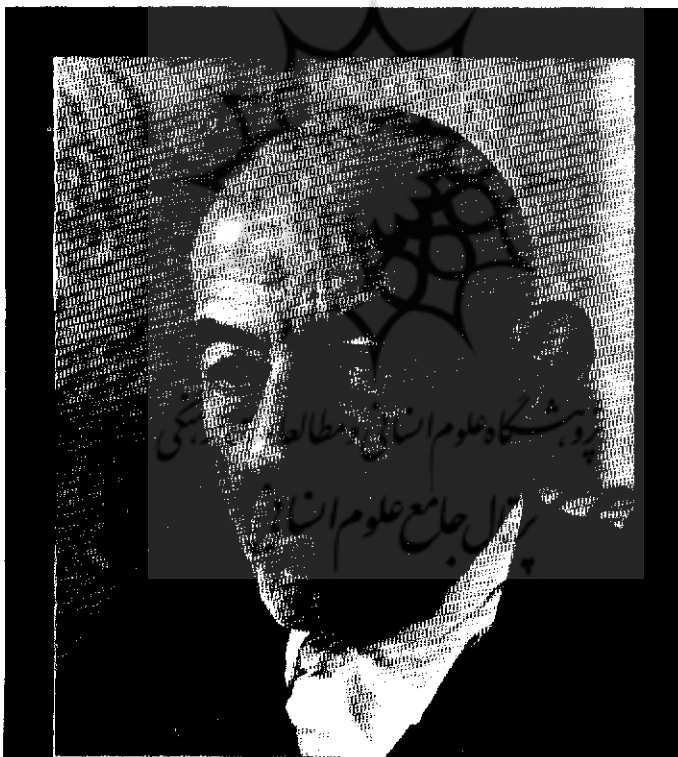


یادی از استاد میرزا احسن هر یسی

(۱۲۸۲-۱۳۶۲)

# عمری در گستره خوشنویسی



یادگار کرامت و علم استاد میرزا احسن هر یسی  
میرزا احسن هر یسی

خوشنویسی از استاد میرزا احسن هر یسی  
اطاعت کرامت کتب این می بود  
اطاعت کرامت کتب این می بود  
فاطمه زهرا

ایستادن بود ای می و این  
باطفت و حجت چهاردهن  
وزن سی و می است

خط و رسم از حسن هر یسی ناز و نیت در هر امان نامه (۱۳۵۵)

■ استاد حسن هریسی فرزند شیخ عبدالکریم هریسی (که خود از روحانیون و مدرسین بنام حوزه‌های علمیه بود) در سال ۱۲۸۲ شمسی در شهر هنرپرور تبریز چشم به جهان گشود. از سن ۱۲ سالگی به مدرسه طالبیه رفت. آموزش دانش و هنر را با کلام خدا و گلستان شیخ اجل سعدی آغاز و در صرف و نحو و منطق و فقه و اصول مراتبی را طی کرد و سپس به سائقه و صبغه عشق به هنر، راه خود را از طالبان و پویندگان دانش محض جدا ساخته، به خوشنویسی روی آورد.

استاد، خط نستعلیق را در محضر اساتید مسلم خط نظیر مرحوم سید علینقی خان قاضی طباطبائی - رضوان الله علیه - و مرحوم ذبیح السلطنه باتمانقلیچ و میرزا باقر فخر الکتاب و خط نسخ را در حضور استاد احسن الخط (آقا میرعلی اهرابی) آموخت و آنگاه به تدریج در ردیف ورده استادان طراز اول خوشنویسی قرار گرفت.

استاد هریسی به سال ۱۳۰۷ شمسی در سن ۲۵ سالگی به عنوان معلم خوشنویسی در مدارس تبریز خدمات فرهنگی خود را آغاز کرد و تا سال ۱۳۳۵ بسیاری از جوانان مستعد تبریزی را با ظرایف و دقایق هنر زیبا و روح افزای خوشنویسی آشنا نمود. استاد در این مدت، معلمی مهربان و پدري دلسوخته برای جوانان هنرجوی تبریزی محسوب می شد و همیشه آنها را راهنمایی و تشویق می کرد. وی پس از ۲۸ سال خدمت بی شائبه فرهنگی به افتخار بازنشستگی نائل آمد و پس از آن کار تعلیم را در منزل شخصی خود به طور خصوصی ادامه داد و از سال ۱۳۴۷ به کار

تعلیم در حیطه و حدودی گسترده تری پرداخت و در خانه فرهنگ تبریز شروع به آموزش خوشنویسی کرد.

استاد علاوه بر کتابچه‌ها و جزوات رسم المشق که برای استفاده جوانان و هنردوستان نگاشته و از خود به یادگار نهاده است، کتابهای فراوانی از جمله ۳ نسخه از کلام... مجید، سه نسخه مفاتیح الجنان، یک نسخه منتهی الامال، یک نسخه معراج السعاده، دو جلد غرر الحکم، یک جلد صحیفه سجاده، ۱۰ جلد نهج البلاغه منظوم و منثور ترجمه حاج محمد علی انصاری و نزدیک به ۲۰ جلد کتاب درسی و گلستان سعدی و مجموعه‌های مختلف نظم و نثر را نیز کتابت کرده است که هر کدام در نوع خود آیتی از زیبایی خط فارسی و عربی به شمار می آیند و نیز هر کدام گویای مقام و موضع و حسن خلق در تعهد و التزام به انجام وظیفه به فرهنگ اسلامی است، که اینهمه نشانه نیکوکاری و فضائل اخلاقی وی می باشد.

استاد هرگز قلم خود را به شایبات نیالود، تا آنجا که در پاسخ پیشنهاد تحریر کتاب به اصطلاح انقلاب سفید با صراحت و تعبیر هنرمندانه‌ای اظهار داشته بود که «اگر اینکار را بکنند قلم همچون نیسی در چشمانش فرو می رود»، و به راستی چنین بود.

استاد هرگز غیر آنچه را که خداوند تبارک و تعالی می خواست نوشت و تا آخرین لحظه و لمحات حیات فانی، چشمانش همچنان از قدرت بینائی کامل برخوردار بود.

وی علاوه بر خوشنویسی، در طراحی

وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِبُ  
لِلثَّاسِ وَالْحِجِّ وَلِنَسْرِ الرُّبَايَا نَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا  
وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ أَتَقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ  
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَقَالُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الدِّينَ بُفَالُوا وَكَرُّوا  
وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ  
تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا  
مِنَ الْقَتْلِ وَالَّذِينَ نَالُوا مِنْ عِنْدِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى بُفَالُوا  
فِيهِ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا قَاتِلُوهُمْ كَمَا قَاتَلْتُمُ الْكَافِرِينَ فَإِنْ  
قَاتَلْتُمُوهُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ وَقَالُوا لَهُمْ حَتَّى لَا يَكُونَ  
فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنَّهُمْ أَقْلًا عَدُوًّا نِ الْإِعْلَى  
الظَّالِمِينَ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ  
فَمَنْ عَدَايَ عَلَيْكُمْ فَأَعِدُّوا عَلَيْهِمْ عَدَايَ مَا عَدَايَ  
عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَاتَّقُوا  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا

بصورتی دسترس نیست

قبول اندر دست نیست

شیرین مامل

باز بیارخ و برتال جامع علوم انسانی مامل  
کریوس طبع مردم مامل

قَالَ اللَّهُ

عَلِيٌّ

در مرتبه علی چون است چند  
در خانه حق زاد زهی قدر بل

اعلی تر از آنی که علی خوانند  
والا تر از آنی که ولی دانند

ممنوع

خط از حسن  
۱۳۰۵

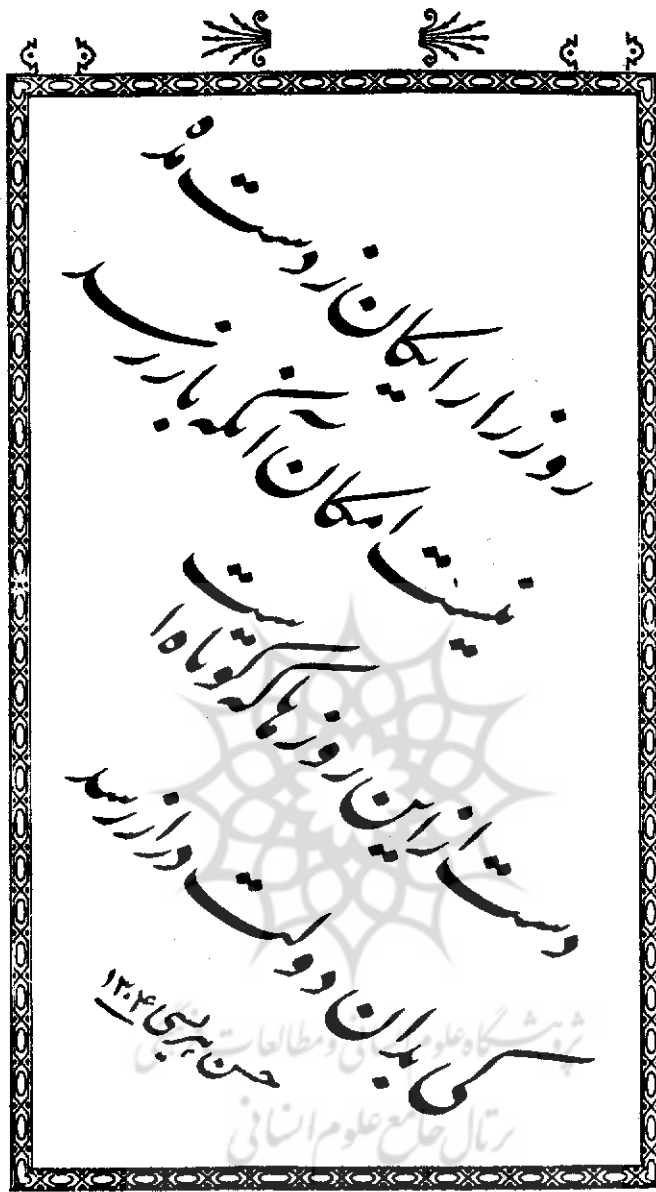
لَهُ وَنَعَالِي

اصطفا

لا ولدی که خانه را دی درو شک نیست که باشدش فرزند

تسخیر کرد او میخواست بی مثل بیافرید و بی مانند

عزیزان



می رفت و حتی شاگردان بی بضاعت را بدون دریافت اجرت حق التعلیم آموزش می داد و با وجود استادی تام و تمام، همواره دلمشغول کتابت بود و شگفتا که احساس می کرد هنوز به درجه تکامل نرسیده است.

نکته جالب دیگر اینکه استاد جهت نگارش از تکه کاغذهای موجود در لایه کتابها یا کتابهای

سرفصل کتابها - که نمونه اش در صفحات اول کتابت کلام... مجید دیده می شود - مهارتی به سزا و شایسته داشت.

استاد میرزا حسن هریسی مردی آزاده و بلند نظر بود و شاگردانش همواره او را به مهربانی و انضباط تمجید کرده اند، زیرا رفتار استاد با آنها چنان بود که از عوالم تعلیم و تعلم بسی فراتر

دل من در سوختن روی ای جان  
 خاک از پستیم است ای فدا  
 بچو کرد این خاک می تواند بترجا  
 از سر روی نورا سر که عطا  
 من برای تو زین

زیست و در چهارم بهمن ماه همین سال در سن هشتاد سالگی در اثر سکنه مغزی در تبریز دیده از جهان فرو بست و برای همیشه روی در نقاب خاک کشید که بی گمان این فقدان خود ضایعه ای بزرگ برای هنردوستان و شاگردان آن مرحوم بود. روانش جاودان و یادش همواره گرامی باد.

درسی فرزندان خود نیز استفاده میکرد و از دور انداختن یک صفحه کاغذ هم پرهیز می نمود و در امر صرفه جوئی حتی کاغذ پاکت سیگار را دور نمی انداخت و آن را با سنگ مهره زنی که سنگ صیقل یافته ای بود صاف می کرد و روی آنها مطالبی می نوشت. استاد تا سال ۱۳۶۲ با تقوی و تدین و ایمان